

## فرهنگ اصطلاحات حافظ

### گفتار بیست و سوم «ق»

۱۲/۲۵۰-۳۶۱/۴، قاضی یزدی ۳۶۳/۴،	<b>قابل</b> - پذیرنده - سزاوار ولایت-
قاضی مجدالدین (۱) ۳۷۳/۴ در بیت	در اصطلاح اعیان ثابته است از جهت
۲۵۸/۶ قاضی حاجات یعنی خداوند عالم	قبول فیض وجود از فاعل حق و تجلی دایم
<b>قاطعان طریق</b> - دزدان و راهزنان	او که فعل اوست ۱۵۴/۴ - ۳۴۴/۱۰
۲۰۲/۱۲-۱۶۳/۱۱	۳۶۵/۱۰-۳۱۹/۷
<b>قاعده</b> - پایه و بنیاد و اصل و اساس-	<b>قادر</b> - توانا و مقتدر- لایق و مستعد
رسم و قانون- دستور و ترتیب و طریقه	۵۰/۵-۴۹/۸
۴۸/۱۲	<b>قارون</b> - نام توانگر حسود زمان
<b>قاف</b> - بطور افسانه گویند کوهی	موسی ۵/۹ - ۳۵/۱۳ - ۳۹/۵ -
بوده محیط بر ربع مسکون و قاف ناقاف	۸۶/۹ - ۱۹۷/۲ - ۲۴۰/۶ - ۳۱۷/۳ -
تمام عالم و همه جهان ۳۲۲/۲-۳۴۸/۴	۳۵۶/۱۱-۳۲۱/۱
<b>قافله</b> - کاروان و گروه مسافر ۱۰۶/۱۳	<b>قاصد</b> - قصد کننده و کسی که دارای
۲۵۳/۱-۲۱۱/۳-۱۸۸/۳-۱۱۸/۸-	آهنگ باشد- مسافر- پیک و برید و نامه بر
<b>قافیه سنج</b> - شاعر ۳۴۵/۵	۱۲۸/۸-۹۹/۱۲
<b>قال و مقال</b> - مناقشه و مناظره در	<b>قاصر</b> - کوتاهی کننده- نارسا- تقصیر
گفتگو ۲۸۴/۵	دارنده ۴۹/۹
<b>قال وقیل</b> - بحث و گفتگو ۱۴۶/۳	<b>قاضی</b> - کسی که قضاوت میکند در
۲۵۱/۱۰	میان مدعی و مدعی علیه ۱۹۳/۳ -

(۱) قاضی مجدالدین اسماعیل (متوفی ۷۵۶) قاضی شیراز بود و در مدرسه مجدیبه که بنام خود اوست تدریس میکرد .

۳۰۲/۲-۳۵/۹-۲۹/۱۲-۱۱/۸-۵۷/۹

و در بیت ۵/۸ با ضم اول بمعنی بوسه است.

**قبول** - پذیرفتگی - پسندیده و موافق

اجابت ۱۰/۱۰-۶۱/۶-۶۹/۶-۸۵/۱۰ -

۱۳۷/۷ - ۱۱۴/۱ - ۹۸/۳-۸۹/۱۲

۱۹۳/۹-۱۶۴/۳-۱۵۷/۹

**قبه** - طاق - گنبد - هر سقف برجسته

و مدور - در اینجا منظور آسمان است

۳۶۵/۲

**قبیله** - طایفه و گروه ۴۶/۳

**قتال** - بسیار کشته و قتل کننده

۱۸۰/۸-۴۸/۱

**قتل** - کشتار و کشته شدن و هلاکت

۱۴۲/۱

**قتیل** - فعلی بمعنی مفعول که مذکر

و مؤنث در وی یکسان است یعنی کشته

شده و مقتول ج قتلی و قتل ۲۰۶/۱۳

۳۲۳/۱۰-۲۰۹/۱۱

**قحط** - کمیابی - بی ثمری - خشکسالی

۱۶۲/۶-۳۷/۲

**قد** - اندام - قامت و بالا - شکل و

درازی در اصطلاح قامت و قد معشوق

یعنی امتداد حضرت الهی است ۱۷/۳

۶۰/۲ - ۴۳/۱۱ - ۴۱/۱۱ - ۲۶/۱۰

۷۴/۶ - ۷۳/۱۳ - ۶۸/۱۲ - ۶۷/۱۱

۱۳۴/۱-۱۲۲/۱۰-۱۰۵/۶-۸۲/۶

۱۹۴/۱۰-۱۶۰/۵-۱۴۲/۵

**قدح** - کاسه بزرگ - پیاله و پیمانه

ساغر و جام زرین قدح؛ نرگس ج قدحان

و اقداح ۲۰/۸-۱۶/۸-۶/۱۱-۵۸/۷

۷۰/۷-۷۰/۷-۷۲/۱۰-۸۱/۴ -

**قامت** - قد - شکل - هیأت و اندام -

سزاواری پرستش را گویند که هیچکس

جز خداوند سزاوار نیست ۱۷/۱ -

۶۹/۱-۶۲/۴-۵۰/۹-۴۰/۳-۱۷/۳

۱۳۴/۱ - ۱۲۲/۶ - ۷۳/۹ - ۷۳/۳

۲۱۹/۱۲-۲۱۶/۵-۱۷۹/۱۰-۱۴۳/۵

۳۰۰/۸-۲۸۸/۱۰-۲۴۰/۲

**قانع** - خرسند و خشنود به بهره خود -

قناعت کننده ۳۱۸/۶-۲۵۶/۱۰

**قانون** - قاعده و طریقه و ترتیب -

روش و آیین - مأخوذ از کانون فارسی است

۱۱۲/۶-۵۷/۱۰ در بیت اخیر بقرینه

وجود شفا ایهام به کتاب مشهور طب

ابوعلی سینا دارد .

**قبا** - جامه پوشیدنی - جامه کوتاه

پیش گشاده ۴۶/۱۳-۳۶/۷-۲۳/۱۰

۹۹/۶-۹۳/۲-۸۷/۷-۷۰/۱-۶۳/۶

۱۷۶/۱۰-۱۴۹/۹-۱۴۳/۲-۱۳۳/۸

۲۱۲/۶-۱۹۱/۴-۱۹۱/۲-۱۷۹/۱۰

۲۶۶/۴-۲۶۵/۴-۲۶۳/۸-۲۳۹/۱۰

۳۱۱/۱۲-۲۹۷/۱۲-۲۸۳/۷-۲۷۵/۹

**قباله** - سندی که در موقع فروش ملک

به خریدار میدهند ۳۷۳/۴

**قبضه** - قدرت و اقتدار و دسته و

دستگیره و دسته شمیر - تصرف و تملک

۸/فکنز

**قبله** - کعبه - طرفی که در نماز بدان

رو کنند و هر مکان مقدسی که در هنگام

پرستش یزدان بدان روی آورند - طریقه

و روش و رسم و آیین در اصطلاح محبوب

و مطلوب و مرجع و مآل حقیقی است و

توجه بذات واحد حقیقی است

- ۱۰۰/۱۰ - ۹۶/۸ - ۹۰/۷ - ۸۹/۱۱  
 ۱۳۹/۲ - ۱۱۹/۷ - ۱۱۵/۱۰ - ۱۱۱/۱۲  
 ۱۷۴/۴ - ۱۷۴/۲ - ۱۶۹/۷ - ۱۵۳/۴  
 ۲۳۶/۶ - ۲۳۳/۱۲ - ۲۲۸/۵ - ۱۸۵/۱۱  
 ۲۵۸/۹ - ۲۵۱/۷ - ۲۴۶/۵ - ۲۴۵/۵  
 ۲۶۷/۲ - ۲۶۲/۵ - ۲۶۲/۴ - ۲۶۰/۴  
 - ۲۷۳/۱۲ - ۲۷۳/۲ - ۲۷۳/۱۱  
 ۳۰۰/۶ - ۲۹۷/۱۱ - ۲۹۱/۹ - ۲۷۹/۱۰  
 ۳۳۴/۱ - ۳۲۶/۲ - ۳۱۲/۱۲ - ۳۰۶/۳  
 ۳۶۴/۸ - ۳۷۵/۲ - ۳۷۹/۱ - ۳۷۹/۳/فکر  
**قدر (qadr) - اندازه و مقدار -**  
 عزت و حرمت و شأن و بزرگی، ارزش و  
 لیاقت و شب قدر؛ شب نوزدهم و بیست و  
 یکم و بیست و سوم و بیست و هفتم رمضان  
 است ۷۰/۱۱ - ۵۲/۳ - ۳۴/۱۲ - ۳۴/۸  
 ۲۵۸/۳ - ۱۹۵/۴ - ۱۲۸/۱۱ - ۱۲۰/۸  
 ۳۲۴/۱۲ - ۳۰۷/۳ - ۲۹۱/۲ - ۲۷۶/۳  
 ۳۳۳/۴ - ۳۳۶/۱۱ - ۳۵۶/۵ - ۱۲/قیز  
 ۲/قل در ابیات ۱۲۴/۶ - ۱۴۰/۹ بصورت  
 شب قدر استعمال شده است .  
**قدر (qadar) - تقدیر و قضا و حکم**  
 ۱۴۵/۸ - ۲۳۷/۵ - ۲۶۵/۸ - ۲۷۹/۶ و  
 در ابیات زیر ۹۳/۱۱ - ۱۰۷/۱۱ -  
 ۳۱۱/۷ - ۲۳۳/۱۲ - ۱۵۲/۴ - ۱۶۲/۱۲  
 ۳۶۵/۷ - ۳۳۴/۹ بمعنی اندازه و مقدار  
 و ارزش، توانائی است و گاهی ایهام به  
 مفهوم اول دارد .  
**قدرت - توانایی** ۳۴۷/۳ - ۲۸۶/۱۰  
**قدس - پاک، پارسا و مقدس** ۱۲/۸  
 ۲۳۱/۱ - ۲۲۲/۴ - ۲۱۶/۲ - ۱۵۹/۸  
 ۲۰۵/۱ - ۲۳۵/۷ - ۳۷۰/۴ - ۲/فکه  
 ۴/فک - ۳۴۸/۱۲
- قدسیان - فرشتگان ، روحانیان**  
 ۱۳۵/۱۱ - ۱۳۴/۴  
**قدم - پای** ۹۴/۷ - ۸۱/۳ - ۹۷/۸  
 ۱۴۶/۹ - ۱۳۷/۴ - ۱۱۷/۷ - ۱۱۲/۱  
 ۲۰۱/۹ - ۱۵۹/۱۱  
**قدیم - دیرینه** ۲۱/۱ - ۲۶/۱۲  
 ۲۵۳/۵ - ۲۵۳/۲ - ۱۸۳/۲ - ۹۳/۷  
**قرا به و قرآ به - شیشه شراب و صراحی**  
 و آوندی شیشه‌ای بزرگی که در آن شراب  
 و جز آن ریزند ۳۰۲/۷ - ۳۷۹/۱ در  
 بیت ۱۹۳/۱ بصورت قرا به کش آمده است  
**قرار - صبر و آرامش ، آسایش،**  
 راحت، عهد، قول، شرط، حکم محکم و  
 تخلف ناپذیر در اصطلاح زوال تردد از  
 حقیقت حال است ۷۳/۱۲ - ۶۵/۳ - ۳/۸  
 ۱۵۹ر۵ - ۱۲۷ر۱۰ - ۱۰۷/۹ - ۷۸/۱۲  
 ۲۷۱ر۱۱ - ۲۲۸ر۸ - ۲۲۲ر۵ - ۱۹۱ر۱  
 بیقرار ۳۰۸ر۱۰ - ۳۱۹ر۱۲ و در بیت  
 ۲۰۸ر۹ قرارگاه آمده است .  
**قرآن - کلام خدا و نبی و نوی ونوی**  
 و مصحف حضرت پینمبر اکرم (ص)  
 ۸/۹ - ۴۹/۴ - ۶۶/۴ - ۱۰۵/۱۳ -  
 ۲۱۸/۳ - ۱۸۴/۷ - ۱۷۳/۸ - ۱۳۱/۶  
 ۳/۱۲ - ۳/فکه  
**قران - مقارنه در اصطلاح نجوم :**  
 باهم آمدن دو مقارنه سیار در برجی و  
 قران سعدین؛ مقارنه دو ستاره سعد مانند  
 مشتری و زهره در برجی و قران نخستین  
 باهم آمدن دو ستاره زحل و مریخ در برجی  
 ۱۳۵ر۲ - ۲۰۲ر۴ - ۶/قیز .  
**قرب - نزدیکی، در اصطلاح ارتفاع**

۲۱۹/۵ - ۳۵۲/۸ - ۳۶۴/۱۰  
**قصارت** - شستن جامه - گازی و شغل  
 و حرفه آنکه جامه را سپید کند ۹۰/۹  
**قصب** - نی و ماشوره در اینجا جامعه‌ای  
 که از کتان و ابریشم بافتند ۲۳/۱۰  
 ۲۹۴/۶  
**قصد** - آهنگ ۲۴/۷ - ۴۳/۶ -  
 ۹۳/۱۳ - ۹۳/۱۱ - ۹۳/۹ - ۶۷/۱ - ۴۴/۷  
 ۳۳۱/۱ - ۲۳۳/۱۰ - ۲۰۴/۳ - ۱۳۸/۳  
 ۳۴۰/۴  
**قصر** - خانه - کوشک - کاخ پادشاهی  
 - ۲۷/۱ - ۳۵/۵ - ۵۴/۱۰ - ۱۲۳/۶ -  
 ۲۴۳/۱۲ - ۲۴۲/۱۰ - ۲۱۰/۸ - ۱۸۲/۳  
 ۲۷۳/۱۱ - ۳۵۷/۷ - ۵/قبط  
**قصور** - ج قصر - کاخها - ایوانها  
 ۲۳۰/۷ - ۱۷۲/۸  
**قصه** - حکایت - تمثیل ۴۵/۱  
**قضا** - حکم و فرمان - تقدیر و  
 سرنوشت - در اصطلاح حکما عبارت از  
 علم حق است بآنچه می‌آید بر احسن نظام.  
 و حکم الهی ۵/۷ - ۱۸/۱۱ - ۴۹/۲  
 ۱۰۱/۱۱ - ۹۲/۱۱ - ۷۷/۶ - ۵۸/۸  
 ۱۶۸/۹ - ۱۵۹/۷ - ۱۴۱/۶ - ۱۱۲/۳  
 ۲۶۵/۷ - ۲۰۲/۵ - ۱۸۲/۲ - ۱۷۵/۱۱  
 ۳۷۷/۴  
**قضات** - جمع قاضی است ۳۶۹/۱  
**قطره** - چکه و چکیده و مقدار بسیار  
 کم از مایع ۹۴/۴ - ۱۱۶/۱ - ۱۳۴/۳  
 ۲۲۷/۴ - ۲۲۰/۱ - ۱۹۶/۸ - ۱۸۶/۱۱  
 ۳۰۸/۴ - ۳۲۳/۱۱ - ۳۴۸/۱ - ۳۸۴/۲  
 ۹/قیز  
**قعر** - بن و عمق ۱۶۳/۱۲

است میان بنده و حق بعضی گوید  
 عبارت از طاعت است که موجب تقرب  
 د چنانکه شاعر گوید :  
 جاب نفس ظلما نی بر آی  
 تا شوی شایسته قُرب خدای  
 بما از ما بما نزدیکتر  
 داند آنکس کو ز خود دارد خیر  
 ۱ - ۶۲/۱۲ - ۱۹۲/۱ - ۲۹۵/۹  
 ۳۶۲/۲ - ۳۶  
**قربان** - آنچه بدان به خدا تقرب  
 بد - فدا - صدقه - نذر ۱۰/۱۰ - ۲۳۴/۹  
**قره العین** - آنچه بدان خنکی چشم  
 دهد در اینجا شاید کنایه از فرزند  
 باشد که در جوانی در گذشته است  
 نکه نظامی نیز گوید :  
 ای هفت ساله قره العین  
 مقام خویش را در قاب قوسین  
 چارده ساله قره العین  
 بالغ نظر علوم کونین  
**قرصه ماه** - گرده ماه ۳۶۴/۱۰  
**قرض** - دین - وام ۳۳۰/۷  
**قرعه** - آنچه بدان فال گیرند نصیب  
 ره کسی را معین کنند ۷۸/۵ - ۱۰۳/۱  
 ۱۰۴/۱ - ۱۲۵/۲  
**قرن** - مدت طولانی - صد سال  
 قیز  
**قسام** - حسن و جمال و خوبی صورت  
 بخش کننده و بهره دهنده ۳۸۴/۷  
**قسم** - سوگند و حسن - جمال ۱۹۸/۲  
**قسمت** - بخش - نصیب - حصه و بهره -  
 ت و تقدیر ۱۰۴/۱ - ۱۰۹/۱۲ -  
 ۱۱۲ - ۱۷۴/۱ - ۱۸۲/۷ - ۲۱۳/۵

عادات کوشد ۱۳/۴۶-۹/۵۴-۷/۱۲۰

۳۴۷/۲-۳۱۵/۳-۲۵۷/۹

**قناعت** - رضا و تسلیم - به چیز کم

راضی و خشنود بودن ۳/۲۹-۱/۷۷-

۳۳۸/۷-۳۱۵/۶-۱۰۳/۸

**قند**-۵/۳۳-۵/۳۷-۸/۶۷-۶/۷۳

۱۵۲/۱۲-۱۳۳/۱۱-۱۲۲/۵-۸۴/۴

۳۳۳/۳-۲۷۴/۵-۱۸۹-۱۶۷/۱۳

**قنبر** - غلام حضرت علی بن ابیطالب

(ع) ۳۸۱/۱

**قوافل**- کاروانها و قافلها ۱۱/۱۶۳

**قوام الدین حسن**- حاجی قوام الدین

حسن وزیر شاه شیخ ابواسحاق اینجو

بوده است ۱/۱۰- ۱/۲۲۴- ۱/۳۷۰

در بیت ۷۷/۴ قوام الدین، بیت ۶/۳۶۶

قوام دولت و دین و در ۴/قکج قوام دولت

آمده است .

**قوس مشتری** - برج قوس یکی از

دو خانه مشتری است و خانه دیگر حوت

است ۱/۲۷۶

**قوت** - توانایی ۵/۶۸-۱۰/۱۳۵

۱۴۱/۶ ۱۴۱/۷-۱۴۲/۳-۱۲/۱۹۸

۳۷۳/۷

**قول** - سخن- گفتار ۳/۳۳-۴/۶۳

۱۳/۹۹- ۷/۱۸۱- ۱/۱۸۸- ۹/۲۱۸

۲/۲۵۳- ۱۲/۲۶۰- ۱/۲۶۸- ۵/۲۶۸

۸/۲۶۹- ۷/۳۴۰- ۱۲/۳۵۹

**قوم** - گروه مردمان- قوم و خویش

۴/۸- ۱۲/۱۳۰- ۶/۱۳۱- ۱/۱۷۱-

۸/۲۱۵- ۱/۳۷۱

**قفس** - جایی شبکه دار که از چوب

و سیم و یا آهن جهت گرفتن پرندگان

سازند و یا جانوران وحشی را در داخل

آن قرار دهند ۲/۴۴- ۷/۴۹- ۵/۱۶۹

۹/۲۳۰- ۴/۲۳۵- ۴/۲۳۶- ۲/۳۱۹

**قلاب** - دغل باز- آنکه پول قلب را

سکه میکند بر گرداننده حيله گر

نظامی گوید ،

ز سیمرغی بسرد قلاب کاری

دهد پروانه را قلب داری

۴/۳۲

**قلاش**- مردم بی نام و ننگ و مفلس

و حيله باز - مکار و میخواره - خرابانی

۸/۳۲۴

**قلب**- ناخالص و غیر رایج- بر گرانیده

و عکس- پول تقلبی ۶/۳۵- ۸/۴۹-

۱۳/۵۸- ۶/۱۳۵- ۲/۱۳۶- ۹/۱۳۸-

۶/۱۶۷- ۵/۱۶۸- ۷/۲۲۲- ۳/۳۲۹

۱/۳۷۴ که بواسطه وجود قرینه ایهام به

دل دارند .

**قلب** - دل ۹/۱۰۴- ۱۱/۱۴۳-

۴/۱۹۶- ۱۰/۲۶۶- ۱۲/۲۷۵- ۱/۲۹۴

۵/۳۶۷ قلب گاهی- گاهی ایهام به ناسره و

ناخالص دارند .

**قلزم** - نام دریای احمر ۳/قلب

**قلندر** - شخص مجرد بی قید در

پوشاک و خوراک و طاعات و عبادات که از زوا

اختیار کند در اصطلاح یعنی تجرید از

دو جهان است در ریاضی است که قلندر

تجرید و تجرید به کمال دارد و در تخریب



شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی